



www.ketab.ir

معجزات

از کلیات رساله نور

مؤلف: بدیع الزمان سعید نوری

مترجم: غلام (داوود) وفاقی

- مختصری از زندگینامه بدیع الزمان سعید نوری ۷
- رساله نور چگونه تفسیری است؟ ۱۱
- معجزات احمدیه علیه السلام ۱۷
- نخستین اشارت نکته‌دار ۱۸
- دومین اشارت نکته‌دار ۲۰
- سومین اشارت نکته‌دار ۲۳
- چهارمین اشارت نکته‌دار ۲۶
- پنجمین اشارت نکته‌دار ۳۲
- ششمین اشارت نکته‌دار ۵۷
- هفتمین اشارت نکته‌دار ۷۵
- اشارت هشتم ۹۶
- اشارت نهم ۱۱۱
- اشارت دهم ۱۲۰
- اشارت یازدهم ۱۲۹
- اشارت دوازدهم ۱۳۷
- اشارت سیزدهم ۱۴۳
- اشارت چهاردهم ۱۵۶
- اشارت پانزدهم ۱۷۸

۲۰۶	اشارت شانزدهم
۲۴۶	اشارت هفدهم
۲۵۰	اشارت هجدهم
۲۷۵	نوزدهمین اشارت نکته دار
۲۹۱	نخستین ذیل معجزات احمدیه
۲۹۱	تراوش نخست
۲۹۳	تراوش دوم
۲۹۴	تراوش سوم
۲۹۵	تراوش چهارم
۲۹۶	تراوش پنجم
۲۹۷	تراوش ششم
۲۹۸	تراوش هفتم
۲۹۸	تراوش هشتم
۲۹۹	تراوش نهم
۳۰۰	تراوش دهم
۳۰۲	تراوش یازدهم
۳۰۳	تراوش دوازدهم
۳۰۵	تراوش سیزدهم
۳۰۹	تراوش چهاردهم
۳۱۹	درباره معجزه شفق القمر
۳۳۱	بخشی از ضمیمه معجزات احمدیه عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ است
۳۴۳	موضوع رسالت احمدیه از آیت الکبری
۳۶۱	فهرست منابع داخل متن
۳۷۹	فهرست منابع و مآخذ

مختصری از زندگینامه

بدیع الزمان سعید نورسی

بدیع الزمان سعید نورسی مؤلف کلیات رساله‌ی نور
- که تفسیری قدسی از قرآن کریم در قرن چهاردهم
هجری قمری است - در سال ۱۸۷۸ م در روستای «نورس»
از توابع بخش هیزان در استان بیتلیس ترکیه به دنیا
آمد؛ نام پدر او میرزا و نام مادرش نوریه بود.

بدیع الزمان علوم‌ی را که طبق روال عادی در مدارس
دینی شرق آناتولی در پانزده سال خوانده می‌شد، در
سه ماه فرا گرفت. او تقریباً اواخر سال‌های ۱۸۹۰ به
دعوت «طاهر پاشا»، والی شهر وان، به آن جا رفت
و با تأسیس مدرسه‌ی دینی در وان شروع به تربیت

طلبه کرد و در همان مقطع به علومی چون فیزیک، شیمی، نجوم و فلسفه هم پرداخت. روزی طاهر پاشا خبر منتشر شده در روزنامه‌یی را به او نشان داد که نوشته بود: «وزیر مستعمرات انگلستان در مجلس عوام این کشور، در حالی که قرآن را در دست داشت، طی نطقی گفته است: تا وقتی قرآن در دسترس مسلمانان باشد، ما واقعاً نمی‌توانیم بر آن‌ها حکومت کنیم، یا باید قرآن را از میان آن‌ها برداریم یا کاری کنیم که از قرآن دل‌سرد شوند».

این سخن تأثیر فراوانی بر روح بدیع الزمان گذاشت. با تمام توان نزد خود عهد کرد و ما جدیت گفت: «من به جهانیان اثبات خواهم کرد و جهان خواهم داد که قرآن خورشیدی معنوی است؛ نه خاموش می‌شود و نه می‌توان آن را خاموش کرد.» و در نتیجه فعالیت‌های خود را در این مسیر پیش برد.

او با هدف راه‌اندازی دانشگاهی به نام «مدرسه الزهرا»، که می‌خواست دروس حوزوی و دانشگاهی را توأمان در آن تدریس کند، به استانبول رفت.

هدف بدیع الزمان این بود که با تأسیس دانشگاه مذکور، مانع تفرقه جوانان شرق بر اثر قومیت‌گرایی شود. او در شام خطبه بسیار مهمی ایراد کرد و به بیان بیماری‌های جهان اسلام و راه‌های مداوای آن پرداخت. در جنگ جهانی اول به عنوان فرمانده هنگ نیروهای داوطلب به جبهه رفت و همراه با طلبه‌ها پیش از «بیتلیس» توسط روس‌ها اسیر شد و در «کاستورما» در اوایل سال در اسارت به سر برد. اما بدیع الزمان موفقیتی به دست می‌آورد، از آن‌جا گریخته و خود را به استانبول می‌رساند. استانبول در آن زمان تحت اشغال انگلیسی‌ها بود. به مجلس اول در آنکارا دعوت می‌شود. با مشاهده گرایش نمایندگان به اروپا و بی‌قیدی آن‌ها در قبال مسائل دینی مخصوصاً نماز، نطقی ایراد می‌کند. سپس آنکارا را ترک کرده و اواخر سال ۱۹۲۳ به شهر وان می‌رود. در سال ۱۹۲۵ او را از وان به منطقه بارلا در حومه شهر اسپار تا تبعید می‌کنند. بدیع الزمان در آن‌جا شروع به تألیف «کلیات رساله نور» می‌کند. فعالیت

چاپ و نشر در آن سال‌ها ممنوع بود، لذا طلبه‌های نور صدها هزار نسخه از رساله نور را کتابت کرده و دست به دست توزیع و تکثیر می‌کنند. بدیع الزمان را تا سال ۱۹۵۰ از شهری به شهر دیگر تبعید کرده و از دادگاهی به دادگاه دیگر روانه می‌کنند. او را بارها مسموم کردند و جفایی نماند که تحمل نکند و عزایی نماند که نبیند. او بعدها در «اسپارتا» به همراه پنج شش نفر از طلبه‌هایش مدرسه نوریه‌یی تأسیس کرد و در ۲۳ مارس ۱۹۶۶ در بیست و ششمین شب ماه مبارک رمضان در شهر اصفهان به رحمت ایزدی پیوست. سه ماه بعد، قبر او توسط دولت وقت به صورت مخفیانه در نیمه شبی گشوده شده و جسد او را تغییر می‌دهند و در حال حاضر محل دفن او مشخص نیست.

بدیع الزمان در طول حیات خود همواره با فروتنی و خضوع و استغنا و میانه‌روی زندگی نمود و از هیچ کس مالی نگرفت مگر این که معادلش را پرداخت کرد. زندگی او مملو از نمونه‌های گذشت و فداکاری بود.